

زنان آسیب‌دیدگان اصلی مهاجرت ...

5 اردیبهشت 1401

مهاجرت امروزه به عنوان یکی از عوامل اصلی در تغییر محل سکونت شناخته می‌شود. امر مهاجرت فی‌النفسه نشانگر پویایی جمعیت و بستری برای اختلاط فرهنگی و توسعه است.

اصولاً مهاجرت به سه بخش درون‌شهری و برون‌شهری و برون‌مرزی قابل تقسیم است، البته تقسیم‌های دیگری نیز برای مهاجرت صورت می‌گیرد، اما آنچه مدنظر است بیشتر از دو نوع اول است. با عزم مهاجرت تغییرات زیادی در زندگی خانوارها ایجاد می‌شود. بسیاری از مهاجرت‌ها از شهری به شهر دیگر یا از روستا به شهر است، اما امروزه نوعی از مهاجرت نیز در درون شهرها صورت می‌گیرد که به دلایل گوناگونی همچون وابستگی‌ها و تعلقات به محله و مکان زندگی که **زنان** را با دشواری روبه‌رو می‌کند. این مهم در خصوص مهاجرت در درون شهر مصادیق زیادی دارد. عموماً زنان به دلیل دلبستگی به محله و ارتباط با همسایگان معمولاً از تغییر و جابه‌جایی از محلی به محل دیگر با نگرانی روبه‌رو می‌شوند به خصوص که این تغییر منجر به جابه‌جایی به محلی باشد که از نظر ارزش سکونت متفاوت از مکان فعلی زندگی آنهاست. با افزایش فشار اقتصادی و تغییرات سبک زندگی بسیاری از خانوارها مجبور شده‌اند که مکان زندگی خود را در شهر تغییر دهند به عنوان مثال وقتی در منطقه هفت اتوبان امام علی گسترش یافت بسیاری از ساکنان آن محلات مجبور به جابه‌جایی به محلی دیگر شدند که از نظر شرایط محله متفاوت از محلات آنها بود. منطقه هفتی‌ها به مناطق حاشیه شهر رجعت کردند و ترکیب زندگی آنها با تغییرات جدی روبه‌رو شد و این مهم دشواری زیادی برای زنان ایجاد کرد.

گذشته از عوامل اقتصادی بخشی از این تغییرات به دلیل طرح‌های توسعه شهری صورت گرفته که فضای زندگی برای خانوارها را با تغییر همراه کرده که زنان از اثرات آن بسیار در رنج قرار گرفتند. زنانی که باید با محلات جدید ارتباط برقرار می‌کردند و تمام وابستگی‌ها و تعلقات محلی را از دست داده بودند به شدت با این تغییر مکان زندگی روبه‌رو می‌شوند. در این نوع موارد **زنان** معمولاً به تبع نیاز خانواده به شکل غیرمستقل باید در این تغییر مشارکت کنند. اما این مهم در خصوص مهاجرت خانوار به شهرها متفاوت است.

در تحقیقی که در سال 96 به چاپ رسیده نشانگر آن است که هر اندازه زنان از محل سکونت خود (شهر/ روستا) ناراضی بوده‌اند، در تصمیم‌گیری مهاجرت به استان تهران مشارکت بیشتری کرده‌اند. با افزایش قدرت زنان در خانواده، مشارکت آنان در جریان مهاجرت خانواده بیشتر شده است. زنان بیشترین مشارکت را به ترتیب در مهاجرت‌های زن‌محور، فرزندمحور و شوهرمحور ایفا کرده‌اند. مطالعه حاضر نشان می‌دهد که زنان مهاجرت را راهبردی فردی برای رهایی از محدودیت‌های مبدأ و نیز راهبردی خانوادگی برای بهبود وضعیت معیشت خانواده و تامین آینده‌ای بهتر برای فرزندان خود می‌بینند. با ادامه روند بهبود وضعیت اجتماعی زنان، انتظار می‌رود نقش و مشارکت آنان در مهاجرت خانوادگی نیز بیشتر شود. (1)

این مهم بیانگر آن است که مهاجرت برای زنان در شهر به دو گونه است؛ بخشی ناشی از رضایت آنها در

جهت بهبود شرایط زیسته آنها در قالب تامین نیازهای اقتصادی، فرهنگی و... که نقش تعیین‌کننده زنان در ترغیب خانوار به مهاجرت قابل تامل است و در بخشی دیگر مهاجرت محله به محله به خصوص الزامات اقتصادی خانوار که به ناچار زنان را وادار می‌کند در پروسه اسکان خانوار نسبت به مهاجرت موافقت کنند. شناخت این دو وضعیت به مدیریت شهری و سمن‌های مرتبط با شهروندان این کمک را می‌کند که بتوانند راهکارها و مناسبات بهتری برای تقویت حس تعلق و ارتباط میان این زنان و محلات محل سکونت آنها فراهم کنند.

آثار این نوع مهاجرت به دو بخش قابل تقسیم است؛ نخست آنکه زنان با فضایی تازه‌ای از ارتباطات روبه‌رو می‌شوند که واکنش و همراهی با آن برای آنها جدا از آنکه خود در امر مهاجرت علاقه‌مند بوده‌اند یا به اجبار تن به مهاجرت داده‌اند، به شدت دشوار است. این مهم به روشنی در ارتباط با هم‌محله‌ای‌های جدید و حس تعلقات قبلی زنان به محله‌های پیشین قابل پیش‌بینی است. اما در بعد دیگر این جابه‌جایی محل سکونت الزامات و نیازهای خاص خود را طلب می‌کند، رویارویی با برخی محدودیت‌ها و مواجهه با برخی گشودگی‌ها نیازمند آموزه‌های متفاوتی است که مدیریت شهری در این خصوص می‌تواند با ایجاد ظرفیت‌های متناسب در سراهای محلات و مراکز محله نسبت به کاهش این مسائل شهروندان را یاری دهد.

نکته قابل تامل در این مهم آن است که زنان مهاجر اعم از درون شهری و برون شهری با نوعی واکنش اقتصادی نسبت به محل سکونت خود روبه‌رو می‌شوند و از آنجا که آمادگی این مهم را در زندگی در محلات و شهرهای پیشین خود نداشته‌اند، نیازمند نوعی حمایت از طریق سمن‌ها و نهادهای مدیریت شهری که در حوزه زنان فعالیت می‌کنند، هستند.

مهاجرت همواره به دلیل بهبود زندگی نیست، بلکه در برخی موارد به ناچار صورت می‌گیرد و منجر به وارد آمدن هزینه‌های سنگین به خانوار می‌شود، در این میان ایجاد مراکز کارآفرینی محلی می‌تواند ضمن کاهش هزینه‌های روحی ناشی از تغییر محل برای زنان در مهاجرت‌های محلی بستری برای کمک به تامین بخشی از منابع مورد نیاز خانواده نیز باشد.

مهاجرت به عنوان یک امر عمومی برای زندگی شهرنشین‌ها در طول چند دهه گذشته تصویری متفاوت از وضعیت خانوارها را برجای گذاشته که شاید زنان بیشترین هزینه‌ها را بابت این تغییر مکان سکونت متحمل می‌شوند. زنانی که از شهرهای دیگر به شهرهای بزرگ‌تر مهاجرت می‌کنند یا از روستاها به شهرها مهاجرت می‌کنند، تجربه هیاهوی شهری را کمتر دارند و این خود نیازمند نوعی آموزش غیررسمی جهت مواجهه با پیامدهای تغییر مکان زندگی برای آنان است.

آموزشی که نیازمند تمرکز بر نیازهای زنانی است که مدیریت خانوار و آرامش خانواده را توأمان در دست دارند. زنانی که توانایی همراهی سریع‌تر با جریان تغییر در زندگی را داشته‌اند، توانسته‌اند خانوار را نسبت به تغییر وضعیت همراه‌تر کنند و آنها را از آسیب‌های احتمالی دور سازند. از این‌رو شهری به بزرگی تهران نیازمند کانونی برای توجه به وضعیت مهاجران دارد اعم از آنکه آنها در درون شهر به دلایل گوناگون مجبور به تغییر محل سکونت می‌شوند یا آنهایی که برای ورود به شرایطی مطلوب‌تر تن به مهاجرت می‌دهند. در این میان توجه به مهاجرین کشور همسایه که طی بیست سال گذشته در موارد گوناگون دست به مهاجرت زده‌اند نیز قابل تامل است. زنان مهاجر افغانستان به خصوص در دوره جدید نیازمند حمایت روحی، بهداشتی و اقتصادی هستند و این مهم باید در دستور کار مدیریت شهری قرار بگیرد.

*زهرا نژاد بهرام / اعتماد 5194

پاورقی

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=323147> -1